

حکمتيار و مضمون حميد انوري

به پورتال وزين افغان جرمن با عرض احترامات نکات که در ذيل ذکر ميگردد از چشم ديد بنده بوده که در ارتباط با نبشته حميد انوري (گلبدين حکمتيار از کودکی تا پوهنتون) ميباشد خدمت خوانندگان محترم تقديم ميدارم، اميد که با پايیسی نشراتی شما مغايرت نداشته باشد و امکان نشر يابد.

دوستداران سايت افغان جرمن خواهی خواهی نبشته را که آقای حميد انوري در ارتباط با آقای گلبدين حکمتيار رقم زده است خوانده باشند که بنده نیز انرا دقیقاً مطالعه نموده و خواستم بر نکات ان مکث نمايم و خوانندگان گرامی را در روشنی واقیعت ها قرار دهم

این جانب که خود یکی از متعلمين حربي شونوخی بودم و سالهای تحصیلی ام مصادف بود با سالهای تحصیلی گلبدين حکمتيار که ان زمان را مانند همین امروز به ياد دارم و هنوز تصوير از ان صحنه ها در برابر چشمانم مجسم است و آقای حميد انوري در ان زمان ممکن هنوز به دنيا نيامده بود و لله اعلم چون با ایشان معرفت ندارم.

دقیقاً سال ۱۳۴۰ بود که گلبدين شامل صنف ششم حربي شونوخی گرديد، موصوف متعلم بود منظم و متدين که هيچ وقت نمازهای قضایی نداشت، سخت کوشا و مصروف تحصیل با هيچ کس گشت و گذار نداشت يگانه شخص که موصوف با وی در ارتباط بود نسبت داشتن مناسبات قومی و قرابت فامیلی با ایشان متعلم بود یک صنف مقدم از وی به نام دراز خان که بعد از ختم حربي پوهنتون به راز محمد تغير نام کرد که در سال ۱۳۵۷ نسبت عضویت حزب اسلامی در محبس پلچرخي اعدام گرديد.

گلبدين حکمتيار متعلم بود با استعداد کاملاً خارق العاده که در حربي شونوخی در بين ده (۱۰) صنف اولنمره عمومی بود هکذا موصوف از نظر اخلاق و بر خورد با همصنفان و معلمين جایگاه خاص داشت و خود نیز مورد احترام همه بود.

گلبدين حکمتيار خلاف ادعای شما از حربي شونوخی اخراج نگرديده بلکه خود حربي شونوخی را ترک کرد و ان هم جنين بود که:

در صنف نهم هنگام درس انگلیسی جگتورن ستار خان معلم لسان انگلیسی ار یکی از شاگردان درس روز گذشته را جویا شد که متعلم مذکور جواب درست ارایه نمود استاد ستارخان به چوکی گلبدين نزدیک شد و از گلبدين پرسيد که ان طلبه چرا درس را ياد ندارد؟ گلبدين جواب داد که من گلبدين هستم و ان معلم خواست مطابق رسم و رواج همان وقت با سیلی به روی گلبدين بزند، گلبدين که طلبه بود جدی دست ستار خان را نگه داشت و برایش گفت سر از همین لحظه تو استاد من نیستی و من شاگرد تو وبا قهر از صنف خارج شد و به قوماندان مکتب مرحوم جنرال صاحب عثمان خان عریضه تقديم کرد مینی بر وداع از حربي شونوخی که بعد از منظوری وزارت دفاع با پرداخت مصارف سه سال تحصیل در ان موسسه حربي شونوخی را ترک کرد، خوب به ياد دارم که هنگام تفریح با جمع از همصنفان خود که وی را مشایعت میکردند روانه دروازه خروجی مکتب بود. خوب به ياد دارم که پدر موصوف نزدیک دروازه مکتب در برابر مدیریت تدریسات منتظر وی بود شخص بود با قامت بلند کالای سفید، کرتی و لنگی فیروزه یی یا سبز، گلبدين با همصنفان و همه کسانی که در انجا حاضر بودند خدا حافظی نمود بعدا دست پدر را بوسيد و پدر و پسر هر دو دست به دست از حربي شونوخی خارج شدند. همان استاد ستار خان بعدا عضو حزب اسلامی حکمتيار شد و استاد ديگر حربي شونوخی عزيز از بگرامی که به عزيز پدر مشهور بود نیز عضو حزب اسلامی شدند که این خود گویای اخلاق خوب و کردار نیک حکمتيار است. استاد لطيف خان را که معلم ریاضی گفته اید معلم ریاضی نی بلکه معلم فارسی بود، از جناب هم آقای حميد انوري گلبدين را به عضویت پرچم متهم نموده اند در حالیکه موصوف در سالهای ۴۰ هنگام که در محوطه پوهنتون قدم گذاشت بلا فاصله به انسجام محصلين مسلمان پرداخت این بدان معنی است که وی قبلاً با چنین طرز تفکر ارسته بود که حزب پرچم هنوز عرض وجود نکرده بود، هکذا تحریر نموده اید که موصوف با خواهر نظام الدين تهذيب ازدواج نموده است در حالیکه خانم دوم موصوف از قوم دفتانی است که تهذيب نیز به این قوم مربوط ميباشد ولی به هيچ وجه باهم قرابت ندارند.

خلاصه از حقایق بود که در برابر خوانندگان گذاشتم و همه همصنفان حکمتيار با مطالعه موارد فوق انرا تاييد مينمايند.

و به آقای حميد انوري ميخواهم ياد اوری نمايم که نا سزا گفتن و تهمت بستن کار مردان نیست، بايد انصاف داشت. با عرض حرمت و احترام. پايان